

اخبار حوادث

دستگیری دزدان طلادر مراغه

فرمانده انتظامی مراغه از کشف و متلاشی شدن باند سه نفره سرقت منازل و طلاجات خبرداد

سرهنگ رضا اصلانی فر روز پنجشنبه در گفت و گو با خبرنگاران افزود: در پی وصول چند گزارش سرقت از منازل، این موضوع در دستور کار پلیس آگاهی شهرستان قرار گرفت. وی ادامه داد: ماموران با انجام اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی دو سارق و یک مال خور در این ارتباط شدند.

اصلاتی فر اضافه کرد: ماموران پلیس با مراقبت های شبانه روزی و شناسایی محل اختفای این متهمان، موفق به دستگیری اعضای این باند سرقت منازل شدند.

وی گفت: سارقان در بازجویی های اولیه به ارتکاب دو فقره سرقت از منازل و طلاجات در این شهرستان اعتراف کردند.

فرمانده انتظامی مراغه ارزش اموال مسروقه را براساس برآورد کارشناسان حدود ۵۰ میلیون تومان اعلام کرد و افزود: اموال پس از شناسایی تحویل مال بختگان شد.



لحظات وحشتناک واژگونی

شناور تفریحی در جزیره کیش واژگونی یک شناور در کیش ۱۵ مصدوم بر جا گذاشت.

معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از واژگونی یک شناور در اسکله تفریحی کیش و مصدوم شدن ۱۵ نفر خبر داد.

شاهین فتحی معاون عملیات سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر اظهار داشت: ساعت ۱۳:۴۰ بامداد پنج شنبه واژگونی یک شناور در اسکله تفریحی کیش به سازمان امداد و نجات گزارش شد.

وی ادامه داد: با حضور امدادگران در همان مشاهدات اولیه مشخص شد ۱۵ نفر از سرنشینان کشتی شناور تفریحی دچار حادثه شده و آسیب دیده اند که بلافاصله پس از اقدامات لازم و نجات این افراد ۵ نفر از آن ها به مراکز درمانی منتقل شدند.



مردی که ۱۳ سال بی گناه

در زندان ماند

یک زندانی اهل چین که تقریباً نیمی از عمر خود را مجبور شده بود در حبس بگذراند سرانجام از زندان آزاد شد.

دادگاهی در چین رای به آزادی این زندانی که ۲۳ سال پیش به اتهام اذیت و آزار جنسی و قتل یک زن به زندان محکوم شده بود داد. این زندانی ۵۰ ساله روز جمعه پس از آنکه ۲۳ سال رادر حبس گذراند از زندان آزاد شد. حکم آزادی این زندانی پس از برگزاری دادگاه چهارم در ماه اکتبر توسط دادگاهی در استان جیلین واقع در شمال شرقی چین صادر شد.

این زندانی که هویتش جین ژهونگ اعلام شده است در سال ۱۹۹۵ به جرم تجاوز و کشتن یک زن ۲۰ ساله در منطقه جی یونگ به زندان محکوم شده بود.

او تنها ۲۷ سال داشت که توسط پلیس دستگیر شد و به اتهام تجاوز و قتل در دادگاه حاضر شد. بنا به گزارشی که پلیس به دادگاه ارائه کرده بود اتهام جین ربودن، تجاوز، کشتن و سپس آتش زدن جنازه یک زن جوان اهل جیلین بود. بنا به این گزارش این مظنون پس از انتقال زن جوان به منطقه ای در اطراف شهر اقدام به اذیت و آزار این زن و سپس کشتن او و انداختن جنازه اش در یک نهر آب و سوزاندن آن کرده بود. جین در سال ۱۹۹۶ پس از برگزاری دادگاه به مرگ محکوم شد که اجرای این حکم به تعلیق افتاد. در سال ۲۰۰۰ حکم صادره برای این زندانی دو بار در دادگاه تجدیدنظر مورد بررسی قرار گرفت که هر دو بار مورد تایید قرار گرفت.

امادر سال ۲۰۱۴ پس تحقیقات پلیس محلی چین بی گناهی این مرد به دلیل نبود شواهد کافی قوت بیشتری گرفت. پس از انتشار این خبر جین اعلام کرد که به دلیل شکنجه های پلیس مجبوره به پذیرش ارتکاب تجاوز وقتل شده است. سرانجام با برگزاری یک دادگاه دیگر که اواخر ماه گذشته انجام شد جین بدلیل نبود شواهد کافی برای اثبات اتهاماتش بیگناه شناخته و از زندان آزاد شد.

جین پس از آزادی در راه پله های دادگاه خطاب به خبرنگاران گفت: عدالت سرانجام کار ساز خواهد شد، حتی اگر دیر شود. من اکنون می خوام به دیدار پدر و مادرم بروم.

و حالا هوویم شده است.

زن آشفته گفت: من نازا هستم البته وقتی پیش زن رمال رفتم نمی دانستم چون جرات آزمایش را نداشتم می خواستم همیشه امیدوار باشم اما نسرین ادعا کرد جن هایش گفته اند شوهرم ناباور است و او باید با خود زن رمال ازدواج سه ماهه داشته باشد تا جن هادرمانش کنند.

ملیحه ادامه داد: من ساده لوح نمی دانستم ثروت شوهرم زن رمال را به وسوسه انداخته تا بعد یک شکست در زندگی هوس زندگی ایده آل داشته باشد او با همین بهانه وارد زندگیم شد حالا باردار است خودم اجازه ازدواج دوم را دادم و حالا شوهرم با وجود فشارهای فامیل بخاطر بچه نمی تواند نسرین را طلاق بدهد خاله ام هم نوه دوست دار اما در ظاهر از من حمایت می کند پس می مانم من که طلاق می خواهم اما ناصر باز در رویاهایش می گوید من را دوست دارد در حالیکه می دانم به نسرین علاقه منداست من خودم وضع مالی خوبی دارم و بدون یک ریال مهریه می خواهم طلاق بگیرم.

زن گریان گفت: می توانستم شکایت کنم به جرم کلاهبرداری اما او باردار است و بچه اش عضو فامیل مامی شود و بهترین کار طلاق من از ناصر است.

بنابه این گزارش؛ قاضی دادگاه خانواده دستور داد تا شوهر ملیحه احضار شود تا روند قضایی پرونده اجرایی شود.

این گزارش حاکیست، چون ازدواج دوم با اجازه زن اول آن هم حضری صورت گرفته ناصر مجرم نیست و می تواند طلاق ندهد و هیچ دلیلی ندارد دادگاه او را وادار به طلاق کند و در اینگونه موارد پرونده ها به مشاوران تحویل می شود تا بهترین تصمیم گرفته شود

بدهد بدون اینکه مهر به ای بپردازد بعد از آن با کمک جن ها ایراد ناصر حل می شود و او با ملیحه می تواند زندگی خوبی داشته باشد.

سه ماه بعد

ناصر با زن رمال ازدواج کرد او در هفته باید سه روز آخر را در خانه ای که برای نسرین خاتم اجاره کرده بود و در یک ساختمان مجلل هم بود می ماند و بعد نزد همسر اصلی اش می رفت. این ازدواج کاملاً پنهانی بود و کسی در فامیل نمی دانست ملیحه ثانیه شماری می کرد تا سه ماه تمام شود شب هایی که شوهرش نبود مثل دیوانه های شد. چند روزی مانده بود تا سه ماه تمام شود که ناصر از زن رمال حرف هایی شنید که نمی دانست خوشحال شود یا ناراحت؟!

نسرین آن روز جواب آزمایش خون را به شوهرش نشان داد که مشخص می کرد او باردار است و پدر بچه اش کسی جز ناصر نیست!

زن اصلی کیست؟!

نسرین به ناصر گفت که جن ها برای آخرین بار به ملاقات او آمده اند و گفته اند او زن اصلی ناصر است و با بچه خوشبخت خواهند شد. نسرین ادامه داد که چون باردار شده است همه جن ها او را تنها گذاشته اند و او حالا یک زن بدون قدرت بوده و می توانند با هم زندگی کنند.

زن رمال باز خودش را مثبت نشان داد و گفت که می توانند همراه با ملیحه زندگی کنند و او حتی برای بچه شان مادری کند.

طلاق

هفته پیش زنی شیک پوش با چشمانی گریان به دادگاه خانواده ونک تهران رفت و خواستار طلاق از شوهرش شد.

ملیحه گفت: یک زن رمال مارا فریب داد او با کمک زن دیگری که در جریان زندگی من بود توانست فریبمان بدهد

خیلی ها خرافی می دانستند حرفی زده بود و نمی دانست چه عکس العملی خواهد دید؟!

باید دل به دریای زدن شب خیلی مهربانانه نزد ناصر رفت مدت های شد جز سلام و احوالپرسی و کمی مسائل درباره مخارج زندگی یا... حرفی با هم زده بودند اما ملیحه می خواست شوهرش را راضی کند.

وقتی ناصر را در جریان گذاشت ناگهان شوکه شد شوهرش با خوشرویی پذیرفت و این نشان می داد خیلی تحت فشار است و همان شب قرار گذاشتند تا در اولین فرصت نزد زن رمال بروند و فقط ناصر گفت از جن می ترسد و نسرین خاتم باید قول بدهد هیچ جنی حتی مهربان نزد او نرود.

نسخه عجیب

ملیحه و ناصر با همراهی سولماز به خانه نسرین خاتم رفتند این زن وقتی ماجرای آنها را شنید قول داد از جن ها کمک بگیرد تا نازایی ملیحه از بین برود. اینکه در همین رفت و آمدها زنی جوان که ناخن هایش را ترمیم می کرد با او طرح دوستی صمیمی ریخت و پای در دلش نشست.

سولماز وقتی حرف های دل ملیحه را شنید پیشنهاد عجیبی داد او گفت که یک زن رمال را می شناسد که با جن ها دوست است و می تواند مشکل ملیحه را با همین اجنه حل کند.

سولماز گفت که خودش بارها دیده نسرین خاتم باعث شده زن نازا هم مادر شود و جن هایش خیلی آرام و متین هستند.

ملیحه از سولماز شنید برای این کار حتماً باید با ناصر نزد نسرین خاتم برود چرا که تنهایی نمی تواند مشکل را حل کند.

لبخند های فراموش شده!

وقتی ملیحه از آرایشگاه خارج شد نمی دانست ماجرا را چگونه به شوهرش بگوید تا الا ن با او درباره چنین کاری که

راه نجات

ناصر خودش را با کار و تجارت سرگرم کرده بود و ملیحه سرگرم خرید و مرتب به آرایشگاه های زنانه می رفت تا اینکه در همین رفت و آمدها زنی جوان که ناخن هایش را ترمیم می کرد با او طرح دوستی صمیمی ریخت و پای در دلش نشست.

سولماز وقتی حرف های دل ملیحه را شنید پیشنهاد عجیبی داد او گفت که یک زن رمال را می شناسد که با جن ها دوست است و می تواند مشکل ملیحه را با همین اجنه حل کند.

سولماز گفت که خودش بارها دیده نسرین خاتم باعث شده زن نازا هم مادر شود و جن هایش خیلی آرام و متین هستند.

ملیحه از سولماز شنید برای این کار حتماً باید با ناصر نزد نسرین خاتم برود چرا که تنهایی نمی تواند مشکل را حل کند.

پنج سال از روز عروسی شان می گذشت دیگر صدای همه در فامیل در آمده بود و ملیحه و ناصر تحت فشار بودند شاید به روی هم نمی آوردند اما در خفا هر کدام نگران بودند و ملیحه آرزوی مادر بودن را همیشه با اشک هایش پنهان می کرد.

اما ناصر خیلی به هم ریخته بود او آنقدر کنایه شنید و مادرش هر روز نسل شان را نابود شده خوانده بود که دیگر نمی دانست ملیحه را دوست داشته باشد یا فقط زیر یک سقف با او سر کند.

سردی زندگی

ملیحه و ناصر دیگر با هم حرف هم نمی زدند آنها خیلی سر شده بودند نه میهمانی می رفتند و نه با هم سفر می کردند حتی مراسم فامیلی هم با حضور آنها نبود دیگر همه می دانستند ملیحه و ناصر مسیر طلاق را پشت سر می گذارند اما آنها خودشان قصدی برای این کار نداشتند و عجیب تر اینکه هیچ کدام جرات رفتن به دکترا نداشتند تا مشخص شود ایراد نابابوری از کدام یک است؟!

گروه حوادث: زن رمال وقتی دید لقمه چربی پیش رویش است دسیسه زنانه ای طراحی کرد تا خود را بانوی عمارت مردی ثروتمند کند. زن و شوهری پولدار که احساس می کردند به همدیگر سرد شده اند خود را به خرافات دوست خاندانی شان سپردند و سر نوشت تلخی برای خود رقم زدند.

حسرت مادری

ملیحه و ناصر دختر خاله و پسر خاله بودند آنها هیچگاه از بچگی سختی نکشیده و همیشه هر چه می خواستند داشتند از خاندانی ثروتمند که سعی داشتند ازدواج هایشان فامیلی باشد و غریبه چه زن باشد و چه مرد را وارد فامیل خود نمی کردند. اما این دختر و پسر همدیگر را واقعا دوست داشتند و همین کافی بود تا با هم ازدواج کنند.

ازدواج آنها یکی از مجلل ترین جشن ها را در پی داشت و همه آرزوی چنین عشقی را داشتند ملیحه و ناصر با هم به ماه عسل دور اروپا رفتند آنها آرزوهای زیادی داشتند اما زندگی روی خوشی به این زن و شوهر نشان نداد.

خبر

پلیس تهران راز اقدامات شیطانی راهم فاش کرد

خوشگذرانی شرور خطرناک با آتش زدن تهرانی ها

با توجه به حساس بودن پرونده دستور تشکیل تیم ویژه ای برای دستگیری عاملان این آتش افروزی ها را صادر کرد که در ادامه تیمی از ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران وارد عمل شدند. در حالیکه فیلم های آتش افروزی جوان خشن در فضای مجازی پخش شده بود افراد زیادی با ماموران پلیس تهران تماس گرفتند و عامل این اقدام وحشیانه را به پلیس معرفی کردند که مشخص شد این جوان یکی از مجرمان سابقه دار است.

مهدی کیست؟

کارآگاهان در این شاخه از تحقیقات خیلی زود پی بردند مهدی ۳۳ ساله که اقدام به آتش افروزی مردم کرده یکی از مجرمان سابقه دار است که در زمینه قدرت نمایی، آزار و اذیت جنسی بارها دستگیر شده و به زندان رفته است. بررسی ها نشان از آن داشت که مهدی نخستین بار در سال ۸۵ به خاطر درگیری دستگیر شده و پس از آزادی در همان سال به خاطر کتک کاری خونین روانه زندان شده است و در ادامه شراوت هادر سال ۸۶ به خاطر سرقت

گروه حوادث: شرور خطرناک آخرین بار که از زندان آزاد شد در اقدامی وحشیانه، چند مرد جوان را که در حال استراحت در فضای سبز پارک بودند به آتش کشید تا خوشگذرانی کنند.

این شرور خطرناک با فیلمبردای از صحنه های شیطانی و آزار و اذیت پسر جوانی آن را برای دوستانش در محل پخش کرده است. فیلم های وحشت آور چندی قبل ماموران پلیس تهران در جریان انتشار تصاویر و فیلم های عجیب یک اقدام آتش شرور جوان قرار گرفتند. ماموران در بررسی فیلم های منتشر شده در فضای مجازی مشاهده کردند که جوان ۳۰ ساله ای همراه دوستانش و در حالی که یک شیشه الکل به دست دارد به سراغ افرادی که در فضای سبز تهران در حال استراحت هستند رفته و اقدام به آتش زدن آنها می کنند و همدست جوان خشن نیز با فیلمبرداری از این صحنه ها شروع به خندیدن می کند و سپس همگی پایه فرار می گذارند.

دستور ویژه رییس پلیس

سردار حسین رحیمی رییس پلیس تهران

پایان جولان کیف قاپان پر اید سوار باشلیک پلیس

گام نخست طعمه های این باندر اهدف تحقیق قرار دادند. ماموران در این مرحله پی بردند که دو پسر جوان سوار بر خودروی پراید سفید رنگ بدون پلاک در خیابان ها پرسه زده و زمانیکه طعمه شان قصد عبور از خیابان ها را داشتند اقدام به قاپیدن کیف آنها می کنند. ماموران در این شاخه از تجسس های پلیسی به صورت هدفمند و نامحسوس در محل هایی که دزدان دست به سرقت می زدند شروع به

گروه حوادث: دو سارق حرفه ای سوار بر خودروی بدون پلاک در شمال تهران اقدام به کیف قاپی می کردند. اوایل آذر ماه سال جاری ماموران پلیس تهران در جریان سرقت های سریالی دو پسر جوان که سوار بر خودروی پراید اقدام به کیف قاپی می کردند قرار گرفتند. بدین ترتیب تیمی از ماموران کلانتری ۱۲۴ قلهک برای دستگیری عامل این سرقت ها وارد عمل شدند و در

گشت زنی کردند که پس از چند روز ماموران خودروی دزدان را که برای سرقت در محل حاضر شده بودند شناسایی کردند. سارقان حرفه ای در این مرحله متوجه تحت نظر قرار داشتن ماموران شدند و به سرعت پای فرار گذاشتند که تیم گشت پلیسی با رعایت قانون بکارگیری اسلحه اقدام به شلیک چند تیر هوایی کردند اما دزدان با سرعت پا به فرار گذاشتند و همین کافی بود تا تعقیب و گریز پلیسی آغاز شود. دزدان که در مسیر فرار به چند خودروی تصادف کرده

و باعث ایجاد خسارت شده بودند با حرکات ماریج و نمایشی سعی برای فرار داشتند که ماموران در این لاستیک خودروی دزدان را هدف گلوله قرار دادند تا اینکه خودروی دزدان در خیابان اندرزگو متوقف شد و ماموران موفق به دستگیری متهمان شدند. تیم گشت پلیسی در بررسی خودروی دزدان چند کیف سرتقی به دست آوردند و زمانیکه متهمان از سوی طعمه هایشان هدف شناسایی قرار گرفتند به ناچار لب به اعتراف گشود. بنا به این گزارش، سارقان در اعترافاتشان به ۳۰ کیف قاپی در منطقه قلهک اعتراف کرده اند.